






Sociology of Education

Identifying the Mechanisms of Using the Place of Imagination in the Philosophy Education Program for Children

Fatemeh Sadat Najmolhoda¹ , Yahya Ghaedi^{2*} , Sadegh Rezaei³ 

1. PhD student Philosophy of Education, Faculty of Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Tehran Branch, Kharazmi University, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Amin Police University, Tehran, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** Yahyaghaedy@yahoo.com

Receive: 2023/09/13
Accept: 2024/02/04
Published: 2024/06/15

Keywords:

Imagination, Teaching Philosophy, Mechanisms.

Article Cite:

Najmolhoda F S, Ghaedi Y, Rezaei. (2024). Identifying the Mechanisms of Using the Place of Imagination in the Philosophy Education Program for Children, *Sociology of Education*. 10(1): 93-106.

Purpose: The main purpose of this research is to identify the mechanisms of using the place of imagination in the philosophy education program for children.

Methodology: This research is one of the qualitative researches, which is applied in terms of purpose, descriptive research in terms of data collection and summarizing, grounded theory method. To identify the components of imagination in the philosophy education program for children in this research: in the first step, by referring to specialized texts on imagination in the philosophy education program for children, including domestic and foreign articles, books and authoritative publications, indicators of imagination in the philosophy education program for children, it was identified, reviewed and summarized using the Cornell study method. In this stage, after 22 people, up to the theoretical saturation of the components were identified. In the second step, semi-structured interviews between experts were used to ensure the effectiveness of the indicators identified as imagination in the philosophy education program for children. The selected experts were a group of experts in educational management and education who had years of experience in educational jobs and were experienced and knowledgeable in relation to the selected indicators and components and had numerous articles in this field.

Findings: In the second step of the research, according to the results of interviews with experts, the results of the research showed that the dimensions of imagination in the philosophy education program for children include knowledge-centered with coding components of imagination in philosophy education for children with 5 indicators, goals (individual, social and educational) (26 questions), basics (general and specialized) (12 questions), method (reasoning, skill training and knowledge acquisition) (15 questions) and content (educational, motivational and challenging) (13 questions) and mechanisms (managerial, technological, educational and environmental) (22 questions).

Conclusion: The results showed that imagination in the goals of philosophy for children includes individual, social and educational positions.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.2011514.1466>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



جامعه شناسی آموزش و پرورش

شناسایی ساز و کارهای بکارگیری جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان

فاطمه سادات نجم‌الهدی^۱، یحیی قائدی^{۲*}، صادق رضایی^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد تهران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: Yahyaghaedy@yahoo.com

مقاله تحقیقاتی

چکیده

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

واژگان کلیدی:

تخیل، آموزش فلسفه، سازوکارها.

استناد مقاله:

نجم‌الهدی ف س، قائدی ی، رضایی ص. (۱۴۰۳). شناسایی ساز و کارهای بکارگیری جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، جامعه شناسی آموزش و پرورش. ۱۰(۱): ۹۳-۱۰۶.

هدف: هدف اصلی از انجام این پژوهش شناسایی ساز و کارهای بکارگیری جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان است.

روش شناسایی: این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی بود که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام پژوهش توصیفی و از نظر گردآوری داده‌ها و جمع‌بندی روش‌گراند تئوری یا زمینه‌بنیاد بود. برای شناسایی مولفه‌های تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در این پژوهش: در گام اول با مراجعه به متون تخصصی تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از جمله مقالات داخلی و خارجی، کتاب‌ها و نشریات معتبر، شاخص‌های تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شناسایی، بررسی و با روش مطالعه کرنل خلاصه نویسی شد. در این مرحله بعد از ۲۲ نفر تا حد اشباع نظری مولفه‌ها شناسایی شد. در گام دوم برای اطمینان از موثر بودن شاخص‌های شناسایی شده به عنوان تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته بین خبرگان استفاده شد. خبرگان برگزیده، گروهی از کارشناسان امر مدیریت آموزشی و آموزش و پرورش بودند که سال‌ها در مشاغل آموزشی سابقه داشته و در رابطه با شاخص‌ها و مولفه‌های منتخب، با تجربه و صاحب نظر و دارای مقالات متعدد در این زمینه بودند.

یافته‌ها: در گام دوم پژوهش با توجه به نتایج مصاحبه با خبرگان، نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ابعاد تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شامل دانش محوری با مولفه‌های کدگذاری تخیل در آموزش فلسفه برای کودکان با ۵ شاخص، اهداف (فردی، اجتماعی و آموزشی) (۲۶ سوال)، مبانی (عمومی و تخصصی) (۱۲ سوال)، روش (استدلال ورزی، مهارت آموزشی و دانش‌اندوزی) (۱۵ سوال) و محتوا (آموزشی، انگیزشی و چالش‌برانگیزی) (۱۳ سوال) و سازوکارها (مدیریتی، فناورانه، آموزشی و محیطی) (۲۲ سوال) بود.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان دادند که تخیل در اهداف فلسفه برای کودکان شامل جایگاه‌های فردی، اجتماعی و آموزشی است.

<https://doi.org/10.22034/ijes.2023.2011514.1466><https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>

Creative Commons: CC BY 4.0

مقدمه

در دنیای امروز، توانایی پردازش اطلاعات ارزشمند است و اطلاعات هنگامی ارزش می‌یابند که تبدیل به دانش شوند و به تبع آن در ابداع و تولید مورد استفاده قرار گیرند. بدین ترتیب، تربیت فراگیران به صورت متفکران، خوانندگان و نویسندگان نقاد برای هزاره جدید، پایه‌گذاری برنامه‌های آموزشی را بر الگوی تفکر انتقادی الزامی می‌سازد (Zulhamdi, et al, 2022). یکی از ویژگی‌های اساسی انسان آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است. به عبارت دیگر، انسان می‌تواند از رفتار خود آگاه باشد و در برخورد با مسایل و امور مختلف از نیروی تفکر خود استفاده کند (Yusuf, 2022). تفکر انتقادی سبکی از فکر کردن در مورد هر موضوع، محتوا یا شکل است که فرد متفکر کیفیت فکر کردن خود را با تحلیل کردن، ارزیابی و نوسازی آن بالا می‌برد. رشد و پرورش مهارت‌های فکری دانش آموزان همواره مسئله پیچیده‌ای در آموزش بوده و کارشناسان تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که رشد تفکر انتقادی وظیفه اصلی مراکز آموزشی بوده و باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد (Mubasheri, Manochehri, Nowrozi, 2017).

تخیل پدیده‌ای است که تفکر انتقادی را بهبود می‌بخشد. امروزه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در جهان به قدرت تخیل بیش از پیش می‌پردازند چراکه قدرتی نامتناهی است و می‌تواند در امور مهارتی و تربیتی به دانش آموزان کمک کند. در واقع، قدرت تخیل موضوعی است که همواره برای افراد مختلف جذابیت دارد و جالب است. به عبارت بهتر افراد تمایل دارند که راجع به قدرت تخیل بیشتر آگاهی و اطلاعات کسب کنند. همه اتفاقاتی که در زندگی رقم می‌خورد یا افراد برای آن تلاش می‌کنند، ابتدا در قوه تخیل شکل گرفته. هر موفقیت قبل از آن که به طور کامل نمایان شود، برای مدت زیادی در ذهن و به کمک قوه تخیل زندگی کرده است و بعداً به واقعیت می‌پیوندد (Wang, Ginns, Mockler, 2022).

نظریه "ذهن پرورش یافته" Igan (1997) را می‌توان به عنوان مبنای نظری مناسب برای عطف توجه به ظرفیت تخیل مورد استفاده قرار داد. وی در این نظریه، که متأسفانه در جامعه تعلیم و تربیت ما ناشناخته مانده و تحت الشعاع نظریه غالب یعنی نظریه پیازه است، مراحل پرورش ذهن و توانمندی‌های آنرا به شکل متفاوتی تبیین نموده و در این تبیین، برای تخیل در دوره کودکی و به تبع آن، دوره‌های بعدی، جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شود (Wang, et al, 2022). با برخورداری از قدرت تخیل، دانش آموز می‌تواند اندوخته‌های علمی را به کار گیرد و به حیطه عمل بکشد. در واقع این مهارت راهی جهت از بردن شکاف بین تئوری و عمل است. یکی از وظایف اصلی هر نهاد آموزشی علاوه بر توسعه شایستگی‌های دانش آموزان، توسعه مهارت‌های تصمیم‌گیری، مسئله‌گشایی و خودکارآمدی است که این مهارت‌ها خود تحت تاثیر توانایی تخیل کردن و داشتن قدرت تخیل است (Yarmohammadi Vasel, Zoghi Padayar, Mohammadi, 2017).

یکی از فاکتورهای تاثیر گذار بر ارتقای توانایی تخیل فعال در بین دانش آموزان، استفاده از روشهای نوین آموزشی است. صاحب‌نظران زیادی از آموزش پذیر بودن انواع تفکر حمایت کرده‌اند. در گذشته تصور بر این بود که افراد را نمی‌توان متفکر و تخیل بار آورد و عموماً تفکر دارای ماهیتی ذاتی موروثی دانسته می‌شد و به امکان کنترل و دخل و تصرف در آن معتقد نبودند (Xu, 2022)؛ اما نتایج تحقیقات کارشناسانی مانند مالترمن نشان داد که تخیل، تفکر، حل مسئله و خلاقیت پدیده‌های متافیزیکی نیستند، بلکه واقعیت و پدیده‌های طبیعی است که تمام قوانین و نظام‌ها و اصول حاکم بر رفتار انسان در اینجا نیز صادق است. یعنی، تفکر، رفتاری آموختنی است و بنابراین می‌توان افراد را با فراهم کردن شرایط قابل کنترل، متفکر و خلاق بار آورد (HACIOĞLU Y, GÜLHAN, 2021).

یکی از برنامه‌های آموزشی که بر قدرت تخیل و تفکر دانش آموزان بنیان نهاده شده است، برنامه آموزش فلسفه برای کودکان است. لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان، برای بچه‌های دبستانی از رویکرد «مسئله مدار» نیز استفاده می‌کند (Cassidy, Marwick, 2018). طراحان این برنامه و بسیاری دیگر از دانشمندان این عرصه، بر این عقیده اند که فلسفه برای کودکان برنامه‌ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق و البته قدرت تخیل در درک مسائل فلسفی نزد کودکان است. دوره ابتدایی، از مهم‌ترین و پر جمعیت‌ترین مقاطع تحصیلی به شمار می‌رود و با توجه به اهمیت اصلاح و بهبود مستمر وضع تحصیلی مدارس در این مقطع باید از نظام‌هایی در آموزش بهره گرفته شود که بسترهای لازم را جهت اجرای آن فراهم آورد. دوره ابتدایی، به‌عنوان اولین مرحله آموزش همگانی مطرح است. آموزش ابتدایی، دانش آموزان را برای دوره‌های بالاتر آماده می‌کند و چنانچه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، افت تحصیلی و ترک تحصیل در دوره‌های بعدی، کمتر می‌شود. مهم‌ترین هدف در دوره ابتدایی، پرورش استعداد‌های دانش آموزان می‌باشد. منظور از استعداد، توانایی و قابلیت‌های بالقوه دانش آموزان است. بسیاری از صاحب‌نظران تربیت در دوره ابتدایی را مقوله‌ای زمینه مند دانسته که در بافت اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل گرفته و نیز به‌طور متقابل اثر می‌بخشد (Abedini Nazari, 2016).

پژوهش Wu (2022) نشان می دهد که استفاده از برنامه فلسفه به دانش آموزان به ارتقای قدرت تخیل ایشان کمک می کند و همچنین رویاپردازی جهت دار را در دانش آموزان تقویت می کند.

جایگاه تخیل بخش کودکی درون ما است. من کودکی، در واقع همان کودک خلاق است که جسور و بازیگوش بوده و چندان از قوانین منطقی دنیای بیرون پیوری نمی کند و در عوض به شکلی فرامنطقی می تندیشد و دنیای تخیلی برای خود می سازد. توجه به احساسات کودکانه و فعال نه داشتن این احساسات، علیرغم تمام موانع بازدارنده ای که برای آن وجود دارد، تخیل خلاق ما را در مسیر رشد قرار می دهد. متأسفانه جایگاه تخیل در آموزشهای نهادهای تربیتی در کشور بسیار پایین است و به آن به عنوان یک عامل محرک اهمیت داده نمی شود. این در حالی است که کتابهای داستانی مانند هری پاتر و .. که دنیای تخیل را در دانش آموزان فعال می کنند، بسیار پرطرفدار هستند و در کتابها و برنامه آموزشی کشور، جای این موارد خالی است. در اسناد بالادستی، نه به وضوح اما به پردازش قدرت تفکر و خیال دانش آموزان اشاره شده است. اما آنچه مشاهده می شود، سبکهای آموزشی قدیمی است که با دست مایه هایی از رنگ و لعاب کتابهای جدید و بعضاً برنامه های جدید خود را نمایان می سازد. اما در مدارس چیزی با عنوان تخیل و پرورش قدرت تخیل مشاهده نمی شود. موانع را می توان در عدم آگاهی دست اندرکاران آموزشی و برنامه ریزان، عدم حمایت مدیران آموزش و پرورش، عدم تخصیص بودجه، نداشتن صلاحیت حرفه ای معلمان در این زمینه و ... عنوان کرد. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، با توجه به اهدافی که پیش رو دارد، می تواند عاملی برای ارتقای سطح و قدرت تخیل در دانش آموزان باشد. از اینرو، در پژوهش حاضر به برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و البته جایگاه تخیل در این برنامه آموزشی پرداخته شده است و پژوهشگر قصد دارد در یک مطالعه جامع، این جایگاه را مشخص نماید و به این سوال اساسی پاسخ دهد که تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان چه جایگاهی دارد و برای به کارگیری آن چه چارچوبی می توان ارائه داد؟

روش شناسی

این پژوهش از جمله پژوهش های کیفی است که از نظر هدف در رده پژوهش های کاربردی و از نظر روش انجام در رده پژوهش های توصیفی و از نظر گردآوری داده ها و جمع بندی، روش گراند تئوری یا زمینه بیناد بود. در انجام پژوهش به دنبال شناسایی ابعاد و مولفه های جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بود، لذا شناسایی مولفه های جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در این پژوهش به ترتیب این گام ها انجام گرفت: در گام اول با مراجعه به متون تخصصی جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از جمله مقالات داخلی و خارجی، کتاب ها و نشریات معتبر، شاخص های جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، بررسی و با روش مطالعه کرنل خلاصه نویسی شد. و در ۲۲ نفر از خبرگان اشباع مولفه ها شناسایی شد. در گام دوم برای اطمینان از موثر بودن شاخص های شناسایی شده به عنوان جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان از روش مصاحبه عمیق کانونی بین خبرگان استفاده شد، خبرگان برگزیده، گروهی از کارشناسان امر مدیریت آموزشی بودند که سال ها در مشاغل آموزشی سابقه داشته و در رابطه با شاخص ها و مولفه های منتخب، با تجربه و صاحب نظر و دارای مقالات متعدد در این زمینه بودند. سپس با توجه به نتایج مصاحبه با خبرگان تعدادی از مولفه ها ریزش پیدا کرد و در نهایت فرم مصاحبه ای نیمه ساختارمند تهیه شد. در این پژوهش از روش گراند تئوری یا زمینه بیناد استفاده شده است. تئوری برخاسته از داده ها یک روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که پژوهشگر در حوزه های موضوعی گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به تئوری های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین تئوری و گزاره اقدام نماید. این تئوری ها و گزاره ها به شکلی نظام مند و بر اساس داده های واقعی تدوین می شود.

بخش اول جامعه مورد مطالعه، منابع اطلاعاتی (شامل کتب، مقالات و منابع الکترونیکی) در زمینه جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در بخش منابع فارسی، و در بخش لاتین در داخل و خارج کشور که به صورت الکترونیکی در دسترس بوده اند، و همچنین کتب و مقالات نگارش شده در زمینه جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بود.

بخش دوم جامعه مورد مطالعه شامل مرحله اول تعداد ۲۲ نفر از خبرگان امر مدیریت برای شناسایی و انتخاب مولفه های جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و در مرحله دوم شامل مسئولین آموزش و پرورش و اساتید مطلع در حوزه مورد مطالعه بودند. و از این تعداد ۲۲ نفر به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در مرحله اول شامل مصاحبه های نیمه ساختار یافته با خبرگان و در مرحله دوم فرم مصاحبه بود که بعد از حذف تعدادی از مولفه ها به علت تکراری بودن و همپوشانی به مرحله اشباع نظری رسید و در نهایت این فرم در قالب ۵ بعد و ۸۸ سوال طراحی گردید. پرسشنامه شامل دو بخش اشتراک گذاری و عوامل موثر بر آن بود. بعد، اهداف (فردی، اجتماعی و آموزشی) (۲۶ سوال)، مبانی (عمومی و تخصصی) (۱۲ سوال)، روش (استدلال و رزی، مهارت آموزی و دانش اندوزی) (۱۵ سوال) و محتوا (آموزشی، انگیزشی و چالش برانگیزی) (۱۳ سوال) و سازوکارها

(مدیریتی، فناوریانه، آموزشی و محیطی) (۲۲ سوال) بود. مقیاس اندازه‌گیری سوالات پرسشنامه تحقیق حاضر بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظرم، مخالفم، کاملاً مخالفم) بود.

یافته‌ها

در بررسی انجام شده از پایگاه‌ها، منابع اطلاعاتی و مصاحبه‌های صورت گرفته و پس از جمع‌آوری، دسته‌بندی و کدگذاری پاسخ‌ها در نهایت ابعاد و مولفه‌های جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به دست آمد که به شرح آنها پرداخته شد. در این مرحله از فرایند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی برنامه درسی نیمه متمرکز قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز)، مفاهیم (کدگذاری محوری) و در نهایت با خط سیر داستانی رابطه بین طبقات (کدگذاری گزینشی) مشخص شد. طبقات به دست آمده حول جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان قرار گرفتند.

جدول ۱. لیست کلیه مفاهیم استخراج شده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته

سازه	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز (شاخص)	منبع	کد مصاحبه‌شونده
بررسی جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و پیشنهاد چارچوبی برای به کارگیری آن	اهداف	فردی	شخصیت پرداز	(هایز، ۲۰۰۷: ۲۲۳)	110, 16, 15, 11, 17
			ارضای خود	(هایز، ۲۰۰۷: ۲۲۳)	113, 114, 115
			نیروی خیال	(هایز، ۲۰۰۷: ۲۲۳)	112, 15, 114, 12, 111
			شایستگی تفکری	(ویجسینگه، ۲۰۲۲)	13, 14, 111, 15
			بازسازی ذهنی	(نوری و همکاران، ۱۴۰۰)	112, 18, 13
			تسکین خود	(سیف، ۱۳۹۱: ۲۲)	111, 19, 110, 114, 15
			تعمق گرایی	(هوشمندی و همکاران، ۱۴۰۰)	16, 11, 113
			تفکر انتقادی	(خطیبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶)	18, 13, 115, 112, 12
			کاوشگری ذهنی	(حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۳)	15, 111, 14, 113
			سواد تخیلی	(احمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۹)	111, 19, 110, 114, 15
اجتماعی	مشارکت			(کنعانی، ۱۴۰۰: ۲۰۶)	12, 16, 110, 114
	کار تیمی			(کنعانی، ۱۴۰۰: ۲۰۶)	111, 19, 110, 114, 15
	گفت و گوی اندیشمندانه			(ماهری و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۱)	16, 11, 113
	ایجاد حس مشترک			(داراجو، ۲۰۲۲: ۱۳۱)	18, 13, 115, 112, 12
	بکارگیری قوه خیال در ارتباط جمعی			(نورمن، ۲۰۲۱: ۲۷۶)	19, 15, 14, 112
	تقویت صلاحیتهای همکاری			مصاحبه	15, 18, 17, 16, 14
	گرایش به تحولات اجتماعی			مصاحبه	15, 111, 14, 113
	ارتقای قوه مجتمع			(المیهسی، ۲۰۲۲)	11, 12, 17, 115
	آموزشی		تصحیح تصورات ذهنی	(برهن و خدابخشی، ۱۳۹۶: ۹۵)	15, 111, 14, 113

11, 12, 111, 17, 115	(برهمن و خدابخشی، ۱۳۹۶: ۹۵)	آموزش حل مسایل		
18, 17, 111, 118	(فیشر، ۲۰۱۷)	پرورش مهارت تفکر خلاق		
17, 13, 19, 112, 117	(خطیبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶)	پرورش مهارت‌های شناختی		
11, 19, 113	(دلپرت، ۲۰۲۱: ۴۱۰)	رفع شبهات زندگی		
11, 111, 17, 115	(دلپرت، ۲۰۲۱: ۴۱۰)	تمیز ادراک حسی و تخیل		
18, 17, 111, 118	(نوجیری، ۲۰۲۲: ۲۲۶)	باورپذیر کردن تخیل درست		
17, 19, 112, 117	(پوگلیس، ۲۰۲۲: ۹۹)	طبقه بندی اندیشه		
113, 19, 15, 14, 112	(لییمن، ۲۰۱۷: ۱۱)	دانش نظری	عمومی	مبانی
15, 18, 17, 16, 14	(لییمن، ۲۰۱۷: ۱۱)	مهارت عمومی		
15, 111, 14, 113	(لییمن، ۲۰۱۷: ۱۱)	نگرش منطقی		
11, 12, 111, 17, 115	مصاحبه	تفکر انتقادی		
18, 17, 111, 118	(رضایی و همکاران، ۱۴۰۱)	برنامه ارتقای خلاقیت	تخصصی	
15, 18, 17, 16, 14	(رضایی و همکاران، ۱۴۰۱)	برنامه ارتقای اعتماد به نفس		
15, 18, 17, 16, 14	مصاحبه	توجه فیزیکی و ذهنی در مسایل		
17, 13, 19, 112, 117	مصاحبه	آموزش آینده نگر		
113, 19, 15, 14, 112	واحدی و کبیری (۱۴۰۱)	نشخوار فکری		
113, 15, 14, 112	(کاسیدی و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۳)	تعلیم تفکر		
15, 18, 17, 16, 113	(کاسیدی و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۳)	مفهوم سازی امور آموزشی		
15, 111, 14, 113	(کاسیدی و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۳)	داوری امور		
11, 111, 17, 115	(فیشر، ۲۰۱۷)	استفاده از داستان فلسفی	استدلال‌ورزی	روش
18, 17, 111, 118	(فیشر، ۲۰۱۷)	بکارگیری ابزار بازی		
15, 18, 17, 16, 14	(فیشر، ۲۰۱۷)	استفاده از حلقه کندو کاو		
15, 18, 17, 16, 14	(دانیل و همکاران، ۲۰۱۷)	سوالات معرفت شناسی		
17, 13, 19, 112, 117	مصاحبه	گفتمان فلسفی		
113, 19, 15, 14, 112	(زاهداری و همکاران، ۲۰۱۸)	تدریس فلسفه		
15, 17, 16, 14	(اندرسون، ۲۰۱۶)	استفاده از روش باهم فکر کردن	مهارت‌آموزی	
15, 111, 14, 113	(به نقل از هارت، ۲۰۲۱: ۴۴)	استفاده از روش گفت و گویی		
11, 12, 111, 17, 115	(لام، ۲۰۲۱)	استفاده از تمثیلهای		

18, 17, 111, 118	مصاحبه	شناساندن جایگاه و اهمیت خیال	دانش‌اندوزی	
15, 18, 17, 16, 14	مصاحبه	خواندن مطالب فلسفی		
15, 18, 17, 16, 14	مصاحبه	تدریس ارزش دانش در خیال‌پردازی		
15, 17, 16, 14	مصاحبه	استفاده از روش بارش مغزی		
15, 111, 14, 113	مصاحبه	استفاده از روش همیاری برای درک بهتر مطالب		
11, 111, 17, 115	مصاحبه	مشارکت دانش‌آموزان از طریق تدریس اعضای یک تیم		
17, 13, 19, 112,	(زارعی زوارکی، ۱۴۰۱)	داستان سرایی	آموزشی	محتوا
113, 19, 15, 14, 112	(لییمن، ۲۰۱۷)	رویا پردازی		
15, 18, 17, 16, 14	مصاحبه	طرح معما		
15, 111, 14, 113	(فتیحی جهانشاهی، ۱۳۹۱: ۵۶)	بازیهای انگیزشی	انگیزشی	
11, 12, 111, 17, 115	(ناجی و مرعشی، ۱۳۹۴)	مباحث فلسفی مربوط به کودکان		
18, 17, 111, 118	(به نقل از نجفی و جعفری، ۱۳۹۸: ۵۶)	برانگیزاننده حس کنجکاوی		
15, 18, 17, 16, 14	(لییمن، ۲۰۱۷)	مهارت کاوشگری		
16, 17, 15, 17	مصاحبه	سازماندهی محتوای ارائه شده	چالش‌برانگیزی	
110, 13, 118, 12	مصاحبه	جذابیت محتوا		
17, 15, 11, 17	مصاحبه	ایجاد حس رقابت در تخیل		
111, 18, 14, 19	مصاحبه	ترغیب دانش‌آموزان به تخیل جهت مند		
14, 12, 16	مصاحبه	ایجاد انگیزه جستجو و تحقیق		
14, 12, 18, 115, 19	مصاحبه	به چالش کشاندن مسایل روز		
112, 18, 13	مصاحبه	تهیه یک برنامه عملیاتی برای اجرای چارچوب فلسفه برای کودکان با توجه به جایگاه تخیل	مدیریتی	سازوکارها
113, 114, 115	مصاحبه	کمک گرفتن از اساتید دانشگاه در رشته‌های روانشناسی و برنامه‌ریزی درسی برای گنجاندن تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان		
112, 12, 111	مصاحبه	استفاده از مشاوران عالی در وزارت آموزش و پرورش جهت تهیه برنامه مدون		
13, 111, 15	مصاحبه	حمایت از برنامه‌های وابسته به اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در مدارس ابتدایی		
112, 18, 120	مصاحبه	ارتقای زیرساختهای فناورانه و بکارگیری آن در مدارس ابتدایی برای نشان دادن کلیه‌های انگیزشی	فناورانه	
13, 14, 111, 12	مصاحبه	ایجاد کارگروهی متشکل از کارشناسان برای رصد و ارزیابی بسته‌های آموزشی بر اساس خیال‌پردازی مثبت در کودکان		
112, 114, 12, 111	مصاحبه	تهیه محتوای درسی بر اساس نیاز روز دانش‌آموزان ابتدایی مبتنی بر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی		
112, 15, 120, 12, 111	مصاحبه	توجه به تغییرات محیطی فناورانه و به روز سازی محتواهای آموزش مجازی برای ارتقای قدرت تخیل در کودکان		
13, 14, 111	مصاحبه	ارتقای سطح آموزش از طریق شبکه‌های اجتماعی به دانش‌آموزان ابتدایی		

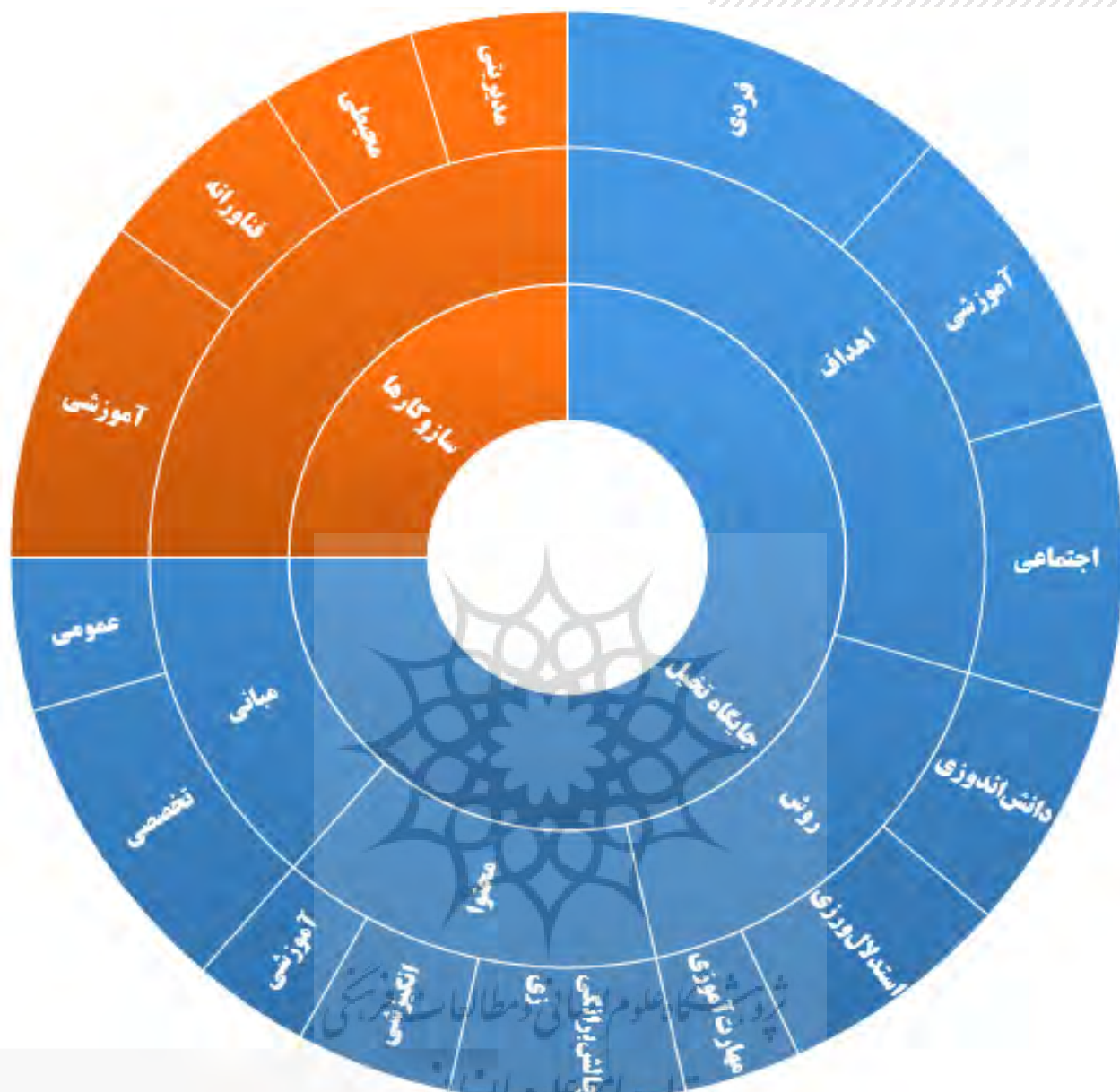
112, 15, 12, 111	مصاحبه	بازبینی اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان	آموزشی
, 111, 15	مصاحبه	توجه به نیازهای کودکان در سن ابتدایی در زمینه خیال پردازی	
17, 111, 118	مصاحبه	تنوع محتوای درسی بر اساس سن دانش آموزان	
112, 18, 13	مصاحبه	گنجانیدن محتوای آموزشی خلاقانه و مبتنی بر رویا در آموزش دانش آموزان ابتدایی	
113, 114, 115	مصاحبه	استفاده از فیلمهای بومی برای بهبود قدرت تخیل دانش آموزان ابتدایی	
112, 12, 111	مصاحبه	خواندن داستانهای خیالی برای دانش آموزان ابتدایی	
13, 111, 15	مصاحبه	تخصیص زنگی با نام زنگ تخیل برای دانش آموزان ابتدایی	
112, 18, 120	مصاحبه	مجبور نکردن دانش آموز ابتدایی به کشتن تخیل و واقع گرا بودن	
13, 14, 111, 12	مصاحبه	استفاده از معلمان دارای صلاحیت حرفه ای برای ارتقای جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه به دانش آموزان ابتدایی	
15, 111, 14, 113	مصاحبه	ارتقای سطح دانش معلمان نسبت به آموزش فلسفه و تخیل	محیطی
11, 12, 111, 17, 115	مصاحبه	نیازسنجی از مدارس ابتدایی نسبت به جایگاه تخیل در آموزش محیطی	
18, 17, 111, 118	مصاحبه	توجه به محیط در حال تغییر و به روز سازی داستانها و فیلمها	
17, 13 و 112, 117	مصاحبه	ایجاد شبکه های اجتماعی متنوع آموزشی برای ارتقای جایگاه تخیل در بین دانش آموزان مبتنی بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان	

نتایج حاصل از تحلیل این بخش نشان می‌دهد که از میان ۸۸ شاخص (گویه) موجود، ۱۵ مقوله اصلی قابل شناسایی است. بر اساس ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود در جدول ۲ نام‌گذاری شده‌اند.

جدول ۲. مولفه‌های شناسایی شده بعد از استفاده از ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود

تعداد گویه	مولفه	بعد	سازه
۱۰	فردی		
۸	اجتماعی	اهداف	
۸	آموزشی		
۴	عمومی		
۸	تخصصی	مبانی	
۶	استدلال‌ورزی		جایگاه تخیل
۳	مهارت‌آموزی	روش	
۶	دانش‌اندوزی		
۳	آموزشی		
۴	انگیزشی	محتوا	
۶	چالش‌برانگیزی		
۴	مدیریتی		
۵	فناورانه	-	سازوکارها
۹	آموزشی		
۴	محیطی		

بر اساس ویژگی‌های شناسایی شده فوق، مدل مفهومی نهایی به قرار شکل ۱ است:



شکل ۱. مدل مفهومی نهایی

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ساز و کارهای بکارگیری جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان انجام شد. نتایج نشان دادند که تخیل در اهداف فلسفه برای کودکان شامل جایگاههای فردی، اجتماعی و آموزشی است. در خصوص این یافته، WU (2022)، در پژوهشی نشان دادند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر ارتقای مهارت تفکر انتقادی دانش آموزان مقطع دبستان تاثیر معناداری دارد. VON WRIGHT (2021)، در پژوهشی نشان دادند که معمولاً از پدیده تخیل در آموزش استفاده نمی شود و آن به دلیل منفی گرایی نسبت به رویا پردازی و دور شدن از اهداف اصلی است. حال آنکه تخیل می تواند عاملی برای پیشرفت باشد و بهتر است در برنامه درسی و آموزشی جای داشته باشد. RAHDAR, POURGHAZ, MARZIYEH (2018) در پژوهشی نشان داد که اختلاف معنی داری در مولفه های تفکر انتقادی و خودکارآمدی بین دو گروه وجود دارد. به عبارت دیگر، تدریس فلسفه برای کودکان تأثیر مثبتی بر افزایش خودکارآمدی و تفکر انتقادی و اجزای آن دارد. نتایج نشان دادند که جایگاه تحیل در مبانی فلسفه برای کودکان شامل جایگاههای عمومی و تخصصی است. در این راستا، Figueiredo (2022)، در پژوهشی نشان دادند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به منظور تربیت کودکان به افرادی مستقل، خیال پرداز، مبتکر، دارای تفکر انتقادی ارائه شده است.

نتایج نشان دادند که تخیل در روش فلسفه برای کودکان، جایگاه استدلال ورزی، مهارت آموزی و دانش اندوزی دارد. در این راستا، Uğraş, Rızvanoğlu, Gülseçen (2022)، در پژوهشی نشان داده است که استفاده از تخیل در طراحی بازیهای داستانی کودکان در برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان به افزایش تخیل و قدرت تفکر آنها کمک می کند. Tsarava, et al (2022)، در پژوهشی نشان داد که استفاده از بازیهای فعال بر تفکر حسابرسی دانش آموزان تاثیر معناداری دارد.

نتایج نشان دادند که جایگاه تخیل در محتوا فلسفه برای کودکان شامل ابعاد آموزشی، انگیزشی و چالش برانگیزی است. در این راستا، Daniel, Belghiti, Auriac-Slusarczyk (2017) در پژوهشی نشان می دهد که در مبادله با سوالات نوعی غیرمعمول بسته، کلیه معرفت شناسی گروههای دانش آموزان ۱۰ تا ۱۵ ساله ساده و چشم انداز حسی و معنایی پس از خودکوزی است. در مبادله با سوالات فلسفی گرا باز، معرفت شناسی کلی اکثریت گروههای شاگرد ساده بود و گرایش به معرفت شناسی پیچیده بود و دیدگاه حاکم در اکثر گروهها نسبت گرایی بود.

Vahedi, Kabiri (2022)، در پژوهشی نشان دادند که برنامه فلسفه برای کودکان با غنی سازی فناوریهای دیجیتال بر افزایش شادزیستی و کاهش نشخوار فکری تاثیر معنادار دارد. لذا می توان از این برنامه به عنوان یک روش مداخله ای موثر جهت افزایش شادزیستی و کاهش نشخوار فکری کودکان دختر بی سرپرست استفاده کرد.

نتایج پژوهش حاضر نتایج نشان دادند که تخیل در اهداف فلسفه برای کودکان شامل جایگاههای فردی، اجتماعی و آموزشی است. همچنین، جایگاه تخیل در مبانی فلسفه برای کودکان شامل جایگاههای عمومی و تخصصی است. تخیل در روش فلسفه برای کودکان، جایگاه استدلال ورزی، مهارت آموزی و دانش اندوزی دارد. جایگاه تخیل در محتوا فلسفه برای کودکان شامل ابعاد آموزشی، انگیزشی و چالش برانگیزی است. ساز و کارهای بکارگیری جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان شامل سازوکارهای مدیریتی، فناوری، آموزشی و محیطی است. همچنین، نتایج رتبه بندی نشان دادند که در بین مولفه های اصلی، مبانی فلسفی (تخصصی، عمومی)، روش (مهارت ورزی، استدلال ورزی و دانش اندوزی)، محتوا (آموزشی، انگیزشی، چالش برانگیزی) و اهداف (فردی، اجتماعی، آموزشی) به ترتیب دارای بیشترین اولویت هستند. در مورد سازوکارهای شناسایی شده نیز، سازوکارهای آموزشی، محیطی، مدیریتی و فناوری به ترتیب در اولویت بودند.

برای پرداختن به مساله پژوهش، لازم است ابتدا در مورد اهمیت تخیل و وجود آن در فلسفه برای کودکان صحبت شود. همانطور که در ادبیات پژوهش نیز عنوان شد، تخیل پدیده ای است که تفکر انتقادی را بهبود می بخشد. امروزه دست اندرکاران تعلیم و تربیت در جهان به قدرت تخیل بیش از پیش می پردازند چراکه قدرتی نامتناهی است و می تواند در امور مهارتی و تربیتی به دانش آموزان کمک کند. در واقع، قدرت تخیل موضوعی است که همواره برای افراد مختلف جذابیت دارد و جالب است. به عبارت بهتر افراد تمایل دارند که راجع به قدرت تخیل بیشتر آگاهی و اطلاعات کسب کنند. همه اتفاقاتی که در زندگی رقم می خورد یا افراد برای آن تلاش می کنند، ابتدا در قوه تخیل شکل گرفته. هر موفقیت قبل از آن که به طور کامل نمایان شود، برای مدت زیادی در ذهن و به کمک قوه تخیل زندگی کرده است و بعداً به واقعیت می پیوندد (Wang, et al, 2022).

با برخورداری از قدرت تخیل، دانش آموز می تواند اندوخته های علمی را به کار گیرد و به حیطة عمل بکشد. در واقع این مهارت راهی جهت از بردن شکاف بین تئوری و عمل است. یکی از وظایف اصلی هر نهاد آموزشی علاوه بر توسعه شایستگی های دانش آموزان، توسعه مهارت های تصمیم گیری، مسئله گشایی و خودکارآمدی است که این مهارت ها خود تحت تاثیر توانایی تخیل کردن و داشتن قدرت تخیل است (Yarmohammadi Vassel, et al, 2017).

یکی از فاکتورهای تأثیر گذار بر ارتقای توانایی تخیل فعال در بین دانش آموزان، استفاده از روشهای نوین آموزشی است. صاحب‌نظران زیادی از آموزش پذیر بودن انواع تفکر حمایت کرده‌اند. در گذشته تصور بر این بود که افراد را نمی‌توان متفکر و تخیل بار آورد و عموماً تفکر دارای ماهیتی ذاتی موروثی دانسته می‌شد و به امکان کنترل و دخل و تصرف در آن معتقد نبودند (Xu, 2022). یکی از روشهای آموزشی که می‌توان قدرت تخیل را در دانش آموزان ارتقا دهد استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان است. لیپمن معتقد است دانش‌آموزان باید با استفاده از آموزش مهارت‌های فکری و تخیلی از سطوح پایین شناختی به سطوح بالایی چون تجزیه و تحلیل و قضاوت دست یابند. وی معتقد است با آموزش فلسفه به صورت کاربردی می‌توان این مهارت‌ها را رشد داد در همین راستا وی به خطر اختلاط آموزش تفکر انتقادی با آموزش درباره تفکر انتقادی اشاره می‌کند و معتقد است آموزش تفکر انتقادی به افراد مستلزم تعلیم ملاک‌ها، قواعد و موازینی است که فرد با استناد به آنها تفکرات خود را ارزیابی می‌کند. این کار را با آموزش درباره تفکر نمی‌توان یاد گرفت. بلکه نیازمند تمرین‌های واقعی است (Lipman, 2017).

در پژوهش حاضر به طور خاص، به جایگاه تخیل در برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان پرداخته شد و مشخص شد که برای دانستن جایگاه تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، ابتدا باید به مبانی فلسفی توجه کرد. مبانی فلسفی در دو بخش تخصصی و عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در بعد تخصصی، می‌توان جایگاه تخیل را در برنامه ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان، ارتقای اعتماد به نفس ایشان به وضوح مشاهده کرد. با این برنامه‌ها، دانش آموزان یاد می‌گیرند که برای حل مسایل پیرامون تخیل خود را به کار اندازند و با خلاقیت و اعتماد به نفس مساله را حل کنند. توجه فیزیکی و ذهنی در مسایل، آموزش آینده نگر، نشخوار فکری، تعلیم تفکر و مفهوم سازی امور آموزشی از دیگر شاخصهای تخصصی است که جایگاه تخیل را در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان نشان می‌دهد.

این مبانی فلسفی به شکل تخصصی و با هدف ارتقای سطح تخیل و در واقع، قدرت تخیل کودکان به منظور حل مسایل تدوین شده‌اند. علاوه بر این، مبانی فلسفی عمومی نیز در برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان وجود دارد که جایگاه تخیل را نشان می‌دهد. دانش نظری عنوان شده، مهارت عمومی که درباره آن در برنامه صحبت شده است و نگرش منطقی و تفکر انتقادی، مبانی عمومی هستند که جایگاه تخیل را در این برنامه نشان می‌دهند. در کل اهداف اصلی از اجرای برنامه آموزشی فلسفه برای کودکان همین است.

اما در پژوهش حاضر به جایگاه تخیل در روش تدریس برنامه آموزش فلسفه برای کودکان نیز اشاره شده است و روشهای مبتنی بر مهارت ورزی، استدلال ورزی و دانش‌اندوزی معرفی شده‌اند. در این برنامه مدام قدرت تخیل کودکان به چالش کشیده می‌شود و استفاده از روش باهم فکر کردن یا استفاده از روش گفت و گویی به همراه استفاده از تمثیلهای، این قدرت را در دانش آموزان تقویت می‌کند. دانش آموزان با گفت و گو با یکدیگر درباره مسایل می‌اندیشند و برای هم ذات‌پنداری با هم‌کلاسی خود، مثالها را در ذهن خویش مرور دوباره سازی می‌کنند. همچنین برای تقویت استدلال ورزی، استفاده از داستان فلسفی، بکارگیری ابزار بازی، استفاده از حلقه کندو کاو، سوالات معرفت‌شناسی و گفتمان فلسفی ابزار کار واقع می‌شوند. داستانهای فلسفی ابزاری هستند تا دانش‌آموزان را به دنیای دیگری ببرند و آنها را در موقعیتهای متفاوت قرار دهند و از آنها بخواهند اگر در این موقعیت باشند، چگونه رفتار خواهند کرد. با بازی نیز همین اتفاق می‌افتد. دانش‌آموزان برای اینکه در بازی حس رقابت‌پذیری داشته باشند، از قدرت تخیل خود برای بردن استفاده می‌کنند. حلقه کندوکاو که بدان اشاره شد نیز نوعی بازی است که دانش‌آموزان با ذهن پرسشگر خود روبه‌رو می‌شوند و در جستجوی چیزی تخیل خود را به کار می‌بندند.

یکی دیگر از روشهایی که در این پژوهش مورد شناسایی قرار گرفت، دانش‌اندوزی است. بدین معنی که دانش‌آموزان علاوه بر مهارت و استدلال نیاز به دانش‌مداری نیز دارند و باید جایگاه و اهمیت خیال‌برایشان برجسته شود. آنها در سنی نیستند که این جایگاه را درک کنند و لازم است با این کار آگاه شوند که می‌توانند چنین قدرتی داشته باشند. خواندن مطالب فلسفی که به ماهیت وجود انسان می‌پردازد باعث می‌شود تا دانش‌آموزان ترغیب به کشف حقیقت در درون خود شوند و چون ابزاری به جز تخیل ندارند، از آن بهره می‌برند.

تدریس ارزش دانش در خیال‌پردازی را می‌توان با استفاده از روش بارش مغزی برای دانش‌آموزان پیاده کرد و از آنها خواسته شود تا در مورد یک موضوع هر چه به ذهنشان می‌آید بگویند. با اینکار نشان می‌دهند که چه ذهن خلاق و خیال‌پردازانه‌ای دارند. استفاده از روش همیاری برای درک بهتر مطالب و مشارکت دانش‌آموزان از طریق تدریس اعضای یک تیم از دیگر روشهایی است که می‌توان برای دانش‌اندوزی از آن استفاده کرد. برای اینکه با پیامدهای مثبت استفاده از تخیل و خیال‌پردازی مواجه شویم لازم است که محتوای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان تغییر کند. محتوای آموزشی در این موقعیت در اولویت است.

داستان‌سرایی، رویا‌پردازی و طرح معما سه محتوایی هستند که برای ارتقای تخیل در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان جای دارند اما باید برجسته‌تر شوند. با این محتواها دانش‌آموزان چراغ راه را در دست دارند و حال، نیاز به انگیزه‌ای دارند که در مسیر تخیل گام بردازند و به شناخت محیط خود بپردازند.

چیزی که هدف اصلی برنامه فلسفه برای کودکان است. در اینجا، استفاده از بازیهای انگیزشی، مباحث فلسفی مربوط به کودکان و برانگیزاننده حس کنجکاوی یا مهارت کاوشگری مد نظر است و باید کودکان با برانگیختن حس کنجکاوی به کشف کردن تشنه شوند. محتوای چالش برانگیز نیز در این مسیر معلم را یاری می دهد. برای رسیدن به هدف برنامه فلسفه برای کودکان، باید محتوا جذابیت داشته باشد و حس رقابت در تخیل را ایجاد کند اما این تخیل نباید بدون مسیر باشد.

یکی از هدف های این برنامه همین است که تخیل دانش آموزان سمت و سو پیدا کند تا بتوان از پیامدهای آن منتفع شد. بنابراین، ترغیب دانش آموزان به تخیل جهت مند و ایجاد انگیزه جستجو و تحقیق بسیار حائز اهمیت است. این کار می تواند با به چالش کشاندن مسایل روز آغاز شود و معلم درک دانش آموز را از مسایل روز ارزیابی کند و بعد با محتوای انگیزشی وی را به خیالپردازی جهت یافته راهنمایی کند. در این پژوهش به اهداف نیز اشاره شد، هرچند در اولویت آخر قرار گرفتند ولی این موضوع نشان دهنده اهمیت کم اهداف نیست.

باید دانست که اهداف اصل و پایه هستند. با ارائه برنامه آموزش فلسفه برای کودکان ابتدا باید اهداف فردی دانش آموز هدف قرار گیرند و شخصیت پردازی، ارضای خود، ارتقای نیروی خیال، شایستگی تفکری، بازسازی ذهنی، تسکین خود، تعمق گرایی، تفکر انتقادی، کاوشگری ذهنی و سواد تخیلی مورد هدف واقع شوند. در واقع با ارائه این برنامه معلم انتظار دارد که به این اهداف فردی دست یابد و دانش آموزانی شایسته تربیت کند که با ارتقای سواد تخیلی در خود و رویاپردازی آگاهانه، به شایستگی تفکری برسند. اما، فقط اهداف فردی مد نظر نیست و اهداف اجتماعی نظیر آموزش مشارکت، کار تیمی، گفت و گوی اندیشمندانه، ایجاد حس مشترک، بکارگیری قوه خیال در ارتباط جمعی، تقویت صلاحیتهای همکاری و گرایش به تحولات اجتماعی نیز مورد توجه قرار می گیرد.

رسیدن به اهداف اجتماعی یکی از مهم ترین اهداف برنامه آموزش فلسفه برای کودکان است. در دنیای امروز که کودکان از خیالپردازی خود در زمینه های مجازی استفاده می کنند نیاز دارند که به تعاملات اجتماعی و انسانی بیشتر روی بیاورند تا شاهد افرادی تنها در سطح جامعه نباشیم. در برنامه فلسفه برای کودکان، بررسی جایگاه تخیل، اهداف آموزشی را نیز دنبال می کند. تصحیح تصورات ذهنی یکی از این اهداف است.

تصورات ذهنی کودکان بسیار پایدار است و باید در ایجاد تصورات ذهنی مثبت در ایشان است. آموزش حل مسایل، پرورش مهارت تفکر خلاق، پرورش مهارتهای شناختی، رفع شبهات زندگی، تمیز ادراک حسی و تخیل، باورپذیر کردن تخیل درست از دیگر اهداف آموزشی است که باید مد نظر قرار گیرند. بسیار از دانش آموزان چون توسط والدین یا حتی برخی معلمان از خیالپردازی منع می شوند، نیم توانند این تخیل را باور کنند و باید در این زمینه هم دانش آموز و هم اولیا و معلمان آموزش ببینند. واقعیت آن است که رسیدن به نیمی از اهداف آموزشی برعهده معلمان و اولیاء دانش آموزان است که باید آنها نیز توجه شوند.

این پژوهش محدود به مقطع ابتدایی می باشد و سایر مقاطع را در بر نمی گیرد. این پژوهش تنها معلمان مقطع ابتدایی شهر تهران را مورد مطالعه قرار داده است. در نتیجه، تعمیم پذیری پژوهش حاضر تنها به ایشان است. عوامل مانند عوامل آموزشی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته است. در اینجا به عنوان متغیر مزاحم در نظر گرفته می شود. تنها از ابزار مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته برای انجام مطالعه استفاده گردید. پیشنهاد می گردد پژوهش های دیگری در سایر مقاطع در زمینه موضوع پژوهش انجام گیرد. پژوهشهای دیگری با جامعه آماری متفاوت مورد مطالعه قرار گیرند. عوامل مانند عوامل آموزشی، اجتماعی و عوامل فرهنگی در پژوهش های بعدی مد نظر قرار گیرند. از ابزارهای دیگر نیز برای انجام مطالعه استفاده گردد. پیشنهاد می گردد برای برنامه ارتقای خلاقیت از ابزارهای نوین مانند تخته هوشمند، محتوای انیمه ای یا بازیهای الکترونیکی استفاده گردد. برنامه ارتقای اعتماد به نفس نیز با استفاده از برگزاری مسابقات به منظور ایجاد حس رقابت سالم انجام گیرد. برای آموزش آینده نگر، از دانش آموزان خواسته شود تا به آینده امید است و اینکه با تخیل می توانند آینده مورد نظر خود را بسازند.

موازین اخلاقی:

در مطالعه حاضر موازین اخلاقی از جمله رازداری، محرمانگی و غیره رعایت شد.

مشارکت نویسندگان:

در پژوهش حاضر دانشجو مسئول انجام مصاحبه، تحلیل داده‌ها و نگارش اولیه مقاله بود و اساتید مسئول نظارت بر مصاحبه، تحلیل داده‌ها و نگارش نهایی مقاله بودند.

تعارض منافع:

هیچ تعارض منافی در مقاله حاضر وجود نداشت.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه کسانی که سهمی در انجام این مطالعه داشتند، تقدیر و تشکر نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Abedini Nazari M. (2016), The effect of teaching philosophy for children on the self-confidence and critical thinking of male students in the first year of high school in District 6 of Tehran, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian]
- Cassidy C, Marwick H, Deeney L, McLean G. (2018). Philosophy with children, self-regulation and engaged participation for children with emotional-behavioural and social communication needs. *Emotional and Behavioural Difficulties*, 23(1): 81-96.
- Daniel M F, Belghiti K, Auriac-Slusarczyk E. (2017). Philosophy for Children and the Incidence of Teachers' Questions on the Mobilization of Dialogical Critical Thinking in Pupils. *Creative Education*, 8(06): 870-892.
- Figueiredo F F. (2022). On the theoretical foundations of the 'Philosophy for Children' programme. *Journal of Philosophy of Education*.
- HACIOĞLU Y, GÜLHAN F. (2021). The effects of STEM education on the students' critical thinking skills and STEM perceptions. *Journal of Education in Science Environment and Health*, 7(2): 139-155.
- Lipman M. (2017). The Institute for the Advancement of Philosophy for Children (IAPC) program. In *History, Theory and Practice of Philosophy for Children* (pp. 3-11). Routledge.
- Mubasheri F, Manochehri M, Nowrozi F. (2017). Critical thinking skills in undergraduate students of Fasa University of Medical Sciences. *Development Strategies in Medical Education*, 2(7), 15-4. [In Persian]
- Rahdar A, Pourghaz A, Marziyeh A. (2018). The Impact of Teaching Philosophy for Children on Critical Openness and Reflective Skepticism in Developing Critical Thinking and Self-Efficacy. *International Journal of Instruction*, 11(3).
- Tsarava K, Moeller K, Román-González M (et al). (2022). A cognitive definition of computational thinking in primary education. *Computers & Education*, 179: 104425.
- Uğraş T, Rızvanoğlu K, Gülseçen S. (2022). New co-design techniques for digital game narrative design with children. *International Journal of Child-Computer Interaction*, 31: 100441.
- Vahedi M, Kabiri A A. (2022), The effectiveness of the philosophy program for children with technology enrichment on the happiness and rumination of neglected and abused girls. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 49: 193-162. [In Persian]
- Von Wright M. (2021). Imagination and Education. In *Oxford Research Encyclopedia of Education*.
- Wang B, Ginns P, Mockler N. (2022). Sequencing tracing with imagination. *Educational Psychology Review*, 34(1): 421-449.
- Wang Z, Liu L, Duan Y (et al). (2022). Continual learning through retrieval and imagination. In *AAAI Conference on Artificial Intelligence* (Vol. 8).
- Wu C. (2022). Can Philosophy for Children improve critical thinking and attainment for Chinese secondary students? In *Making Your Doctoral Research Project Ambitious* (pp. 117-128). Routledge.
- Xu A. (2022). The Importance of Philosophy for Children.
- Yarmohammadi Vassel M, Zoghi Padayar M, Mohammadi A. (2017). The effect of exploratory method training on the cognitive processes of critical thinking; Analysis, inference, evaluation, speculative and inductive reasoning. *Journal of Cognitive Strategies in Learning*, 5(8): 92-79. [In Persian]
- Yusuf Y. (2022). Improving Students' Critical Thinking Skills Against Environmental Problems: Practicum Mini Project" Understanding Public Perceptions of Environmental Problems". *Jurnal Penelitian Pendidikan IPA*, 8(1): 209-215.
- Zulhamdi Z, Rahmatan H, Artika W (et al). (2022). The Effect of Applying Blended Learning Strategies Flipped Classroom Model on Students' Critical Thinking Skills. *Jurnal Penelitian Pendidikan IPA*, 8(1): 86-93.